

توسعه ایرانی

روزنامه صبح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

باقری و هیات‌های مذاکره‌کننده در پایتخت اتریش؛

مذاکرات احیای برجام در وین از سر گرفته شد

سیاست ۲



یادداشتی از نادر صدیقی؛
باز هم فقر گفتمانی؛
باز هم نمایش‌های اعترافی

همین صفحه

عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی»:

دولت با مالیات‌ها تحریم را به سفره مردم گره می‌زند

چرتکه ۳



دومین سال دولت رئیسی با تهدید به تصفیه آغاز شد

پایش انقلابی مدیران با گسترش نگاه امنیتی

و به نظر می‌رسد راه را بر حذف‌های سلیقه‌ای باز کرده است. غلامرضا همچنین گفت که در آستانه گام دوم انقلاب اسلامی ایران بارای مردم، دولتی سکاندار امور اجرایی کشور است که با رویکرد مردمی، جهادی و انقلابی، در جهت تحقق منویات رهبر معظم انقلاب به دنبال خدمت‌رسانی، ارتقای سرمایه اجتماعی و تحقق حکمرانی دانش‌بنیان است. او اواسط تیرماه سال جاری، وزیر کشور، محمد رضا غلامرضا را به عنوان معاون سیاسی وزارت کشور منصوب کرد تا از همان ابتدا این انتخاب با حرف و حدیث‌های فراوانی همراه شود. بسیاری معاون سیاسی را «وزیر پنهان کشور» می‌دانند و باور دارند که اختیارات این معاونت در حدوزیر است.

سیاست ۲

معاون وزیر اقتصاد:

افزایش قیمت‌های خردادماه تورم نبود، شوک قیمتی بود

چرتکه ۳

دولت باید بابت موضوع حقوق از بازنشستگان عذرخواهی کند

شنبه؛ پایانی بر پنج‌ماه

معتلی و سرگردانی

دسترخ ۴

نگاهی به وضعیت مهاجران غیرقانونی ایرانی در کمپ صربستان

زمزمه‌های گمشده

در دوردست

شهرنوشت ۶

افزایش ۲۰ تا ۱۰۰ درصدی عوارض آزادراه‌ها

تهران - شمال

۱۳۴ هزار تومان شد

چرتکه ۳

یک نماینده مجلس:

تحریم شویم، دوربین‌های

آژانس را خاموش می‌کنیم

سیاست ۲

نگاهی به نمایش «نارنجکی»

تعهد هنرمند یا زیبایی هنری

و چند قرن بی‌پاسخی

فرهنگ و هنر ۸

محمد محبی و تیمی که کامل می‌شود

خامه روی کیک!

آدرنالین ۷

یادداشت

باز هم فقر گفتمانی؛ باز هم نمایش‌های اعترافی



نادر صدیقی

اکنون که آن بی‌پولی و بی‌زوری و بی‌امکانی و بی‌مکانی جای خود را به ماشین‌های گشت و به ساختمان‌ها و سازمان‌ها و نهاد‌های عریض و طویل و بودجه‌های نجومی داده‌سخن گفتن از منطق مکتوب توسط آن چند خودکار سردمی نماید. آنچنان که گویی یک‌ه‌جده‌میلیون‌برای تولید گفتار و به سخن در آوردن «دیگری» کشف شده ما را از دشواری‌های یک جهاد فکری طولانی برای مباحثه در بازترین فضاهای جامعه مستغنی می‌سازد.

حالا دیگر دشوار شده که به نسل‌های جدید بگویم در آن روزگار گشت ارشادی در کار نبود تا جاده صاف راه‌پیمایی یک نسل نوحجاب و نواندیش و نوظهور به سوی آزادی باشد. آن نسل، راه خود را از میان مسیری پر پیچ و شکستگی و از میان میان ماکالمه و کتاب و نوار و آگاهی باز کرده. تصاویر آن دوران نگاه کنید: حجاب‌گزین‌های نواندیش در این مسیر تنها نبودند بی حجاب‌ها حتی آنها که کمترین اعتقادی به حجاب نداشتند در کنار خواهران محجبه خود بودند و در صف آزادیخواهی. مرز کشی‌های میان آن دو مولفه اجتماعی پدید آمده است متناظر و معماری شده توسط دیوار سازان.

امروز اما تاریخ انقلاب پیش چشمان نسل حاضر در معرض تحریف خشونت‌های قرار می‌گیرد، آن هم نه فقط توسط تلویزیون‌های آن طرف قضیه در آنسوی آب‌ها که توسط تلویزیون‌های این طرفی که به طور ناخواسته و ناشیانه جامه‌ای امنیتی بر تن مطالبات اجتماعی و فرهنگی می‌پوشانند. دفاع بد از حجاب قبل از هر چیز جفاست بر تاریخ تحول آن نسل‌هایی که چون خود را متحول کردند و نوشندند حجاب را از سر اختیار جوانان پرچم آن نواندیشی دینی بر گردیدند. اثبات اصالت آن تحول با توجه به تحریفی مضاعف که از سوی تلویزیون‌های ناهمسو، اما متحد در تاریخ‌نگری صورت می‌گیرد دشوار است. اشارات کوتاهی به تجربه ترکیه از آنجا که در پیش چشمان نسل‌های جدید صورت پذیرفته شاید شواهد آسان‌تری برای اثبات مدعای مذکور باشد. اگر چه در آنجا نیز فضای سیاست‌پوری تحت‌تأثیر امنیتی نظامی شدن گفتمان منطقه‌ای تیرگی‌های خاص خود را دارد؛ اما در گذشته‌ای نه چندان دور الگوهای درخشانی از همزیستی و هم‌بودگی‌های

اجتماعی در میان به‌نمایش جهانی نهاده شد. ۲۰ سال قبل در گزارش آن تحولات نوشتم که فضای انتخابات آزادتر کیه بدل به مکان آن تجربه زیسته در هم کناری گروه‌های ناهمگن شده است:

«زیبایی انتخابات ترکیه در این بود که نه فقط جریان‌ات اسلام‌گرا بلکه روشنفکران آزادیخواه و برخی جریان‌ات غیر مذهبی نیز از حق پوشش اسلامی بانوان دفاع کردند. به همین سبب مسئله فقط این نیست که چند صد زن جامعه ترک محجبه هستند، بلکه اهمیت اصلی قضیه به هم‌دلی و تفاهم‌پزگاجتماعی بین محجبه‌ها بر می‌گردد.» (صدیقی، همشهری، آذر ۸۱) همچنین در آن مقاله نوشتم که این دستور عظیم محصول انتقاد دموکرات‌ها و آندانشان ترکیه بر علیه چپ‌انگاری است که گفتند:

«چپ‌انگاری؛ ترکیه مقوله نژادپرستی در آمریکارابه مسئله خود بدل ساخت اما دفاع از دختران جوان روسی‌دار که به همان شیوه نژادپرستانه و همچون سیاهان با آن برخورد می‌شد، دستور کار چپ‌فرز نگرفت. چپ با حقوق بشر به شکل گزینشی برخورد کرد. در دنیای جدید قذغ‌هاوار اغلبی‌ها به جایی نخواهد رسید.» (همشهری پیشین)



روزهای گمشده تاریخ انقلاب

پیشتر در مجله «آین» در گزارش تحلیلی از برآمد اسلام‌گرایی در فضاهای دموکراتیک نوشته بودم آن فضاها و آن هم‌زیستی‌های جریان‌های ناهمگن اجتماعی، یادآور آن روز‌هایی از انقلاب است که مادر تندپیش‌های عبور از فضاهای گفتگویی به مناسبات قدرت جا گذاشتیم:

«خوشاوندی گفتمانی میان جنبش‌های نوین مقاومت اسلامی و دیگر جنبش‌های نوین اجتماعی معاصر در جوامع غربی و کشورهای اسلامی در پیامد خود نوعی خوشاوندی سازمانی بین سازمان‌ها و بازیگران فعال سیاسی و اجتماعی در محور اقلی پدید می‌آورد که سخت‌عبرت‌آموز است؛ در واقع هنگامی که از منظر وضعیت «میان فرهنگی» سال‌های اخیر

به گذشته بنگریم، خواهیم دید که ائتلاف‌هایی از این قبیل، یادآور لحظات گمشده تاریخ انقلاب ما نیز هستند. ترکیب چهره‌هایی که ذیل عنوان میان فرهنگی گرد هم آمده‌بودند، با توجه به متفاوت‌ترین خاستگاه سیاسی، ایدئولوژیک و مذهبی، نوعی «درهم‌سختان» را به نمایش گذاشت.» (صدیقی، رویای شهر، رویای شهروندی میان فرهنگی، مجله آیین دی ۸۵)

آنچه که عملیات‌تزن مسلمان در گزینش حجاب‌در دوران پیش از انقلاب می‌نامیم جدای از تعامل با زنان بی حجاب نبود. آن عاملیت نه در یک فضای قطبی بلکه در یک فضای سراسر تعامل و دیالوگ به منصف ظهور رسید. در چنین فضاهایی روسری تبدیل به یک پرچم، یک مایه‌فست‌ترکیبی میان عدالتخواهی آزادیخواهی و ارزش‌های عام جهانشمول و بشری بازارش‌های خاص دینی می‌شود. به میان‌جیگری همین ارزش‌های جهانشمول است که ائتلافی ناپوشته می‌تواند میان جریان‌های ناهمگن عدالتخواهی و دموکراسی خواهی شکل بگیرد. چیزی که در مناسبات قدرت و در فضاهای امنیتی‌سازی از جامعه خودی در بیغ می‌شود و باید در جاهایی دیگر سراغ آن را گرفت. این را در گزارش پیش گفته از تجربه زیسته در فضاهای دموکراتیک که زهدان تولد جنبش‌های نوین اسلامی بودند نوشته بودم:

«این بدان معناست که در حیات هر روزه شهروندانی که از اشکال گوناگون بی‌عدالتی رنج می‌برند نوعی وضعیت «میان فرهنگی» به‌نحوه پیشین وجود دارد؛ مسأله مهم به زبان آوردن این نیم‌زبان‌ها و پاره‌زبان‌های عدالت‌خواهانه و ارتقای آن‌ها به یک‌زبان کامل‌متفاوت و مستقل مقاومت است.

وضعیت میان فرهنگی از طریق پشت‌سر گذاشتن شهروندی مدرن و برساخته‌های هویتی طردکننده و جداسازان، می‌تواند منجر به ظهور نوعی «شهروندی میان فرهنگی» شود که گرچه هنوز محقق نشده، ولی در افق دور دست قابل مشاهده و یا لااقل قابل پیش‌بینی است.

اسلام اقلیت‌ها در جوامع غربی و «اسلام حداقلی» در ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی از دیدگاه برخی شرکت‌کنندگان در کنفرانس، نویدبخش ظهور یک زبان مقاومت نوین است که می‌تواند به عنوان یک جنبش راهی، بخش با دیگر اشکال عدالت‌خواهی و جنبش‌های نوین اجتماعی، نوعی خوشاوندی گفتمانی برقرار کند.

از یک سو «روسری» به عنوان نماد اسلام حداقلی و از دیگر سو «جماعات» و «باهم‌سختان»‌هایی که مسلمانان در دل جوامع غربی تأسیس کرده‌اند، نمونه‌ای بساز از برقراری خوشاوندی گفتمانی اسلام‌خواهی و عدالت‌خواهی بانواع گرایش‌های آزادی‌خواهانه، حقوق‌بنیاد و انسان‌محور به شمار می‌روند.

به عبارت دیگر از آن جا که اسلام‌خواهی حداقلی و اسلام‌اقلیت‌ها به دلیل همان وضعیت تحت‌ستمی و اقلیتی خود، مشتری گفتمان‌های تولید شده در سایر قلمروهای جنبش‌های نوین اجتماعی است، می‌تواند خصلت تکاملی داشته باشد و از قلمرو گفتاری خود فراتر رود. به این اعتبار دفاع مسلمانان از روسری به دلیل بهره‌وری و مصرف گفتمان‌های تولیدی جنبش‌های نوین اجتماعی، در کار خلق زبان نوینی است که پس از ساخته و پرداخته شدن، صرفاً به کار «اقلیت‌ها» نمی‌آید، بلکه کاربردی وسیع‌تر دارد.

به همین دلیل «روسری» و گفتمان‌های دفاعی که آن را به احاطه خود در آورده است، پوششی بسیار فراتر از پوشاندن سر روسری خواهان می‌یابد. به تعبیر سخنران مذکور روسری فقط یک امر دینی و یک فریضه ایمانی نیست، بلکه علاوه بر آن، هنگامی که «روسری خواهی» با «آزادی خواهی» توأم می‌شود، «به خارج از قلمرو خودسرایت می‌کند و دارای ابعادی بسیار مهم‌تر از پیش می‌شود.»

این بدان معناست که در حیات هر روزه شهروندانی که از اشکال گوناگون بی‌عدالتی رنج می‌برند نوعی وضعیت «میان فرهنگی» به‌نحوه پیشین وجود دارد؛ مسأله مهم به زبان آوردن این نیم‌زبان‌ها و پاره‌زبان‌های عدالت‌خواهانه و ارتقای آن‌ها به یک‌زبان کامل‌متفاوت و مستقل مقاومت است.

وضعیت میان فرهنگی از طریق پشت‌سر گذاشتن شهروندی مدرن و برساخته‌های هویتی طردکننده و جداسازان، می‌تواند منجر به ظهور نوعی «شهروندی میان فرهنگی» شود که گرچه هنوز محقق نشده، ولی در افق دور دست قابل مشاهده و یا لااقل قابل پیش‌بینی است.

اسلام اقلیت‌ها در جوامع غربی و «اسلام حداقلی» در ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی از دیدگاه برخی شرکت‌کنندگان در کنفرانس، نویدبخش ظهور یک زبان مقاومت نوین است که می‌تواند به عنوان یک جنبش راهی، بخش با دیگر اشکال عدالت‌خواهی و جنبش‌های نوین اجتماعی، نوعی خوشاوندی گفتمانی برقرار کند.

خودویازن‌دیکان آن‌ها نه فقط مقید به حجاب نیستند، بلکه اساساً مدعی هویت دینی و حتی «دینداری» را بر زبان جاری نمی‌کنند. به عبارت دیگر، به همان میزان که اسلام‌گرایان، زبان حقوق بشری و دموکراتیک آزادی‌خواهان را به استفاده گفتمان دینی خود در می‌آورند، آزادی‌خواهان غیر دینی هم به کمک آن‌ها می‌شایند به این ترتیب نوعی ائتلاف اجتماعی بین دو قشر کاملاً متفاوت اجتماعی در نقطه تلاقی اسلام، دموکراسی، حقوق بشر و جامعه مدنی شکل می‌گیرد.»

«اسلام اقلیت‌ها در جوامع غربی و «اسلام حداقلی» در ترکیه و دیگر کشورهای اسلامی از دیدگاه برخی شرکت‌کنندگان در کنفرانس نویدبخش ظهور یک زبان مقاومت نوین است که می‌تواند به عنوان یک جنبش راهی، بخش با دیگر اشکال عدالت‌خواهی و جنبش‌های نوین اجتماعی، نوعی خوشاوندی گفتمانی برقرار کند.

از یک سو «روسری» به عنوان نماد اسلام حداقلی و از دیگر سو «جماعات» و «باهم‌سختان»‌هایی که مسلمانان در دل جوامع غربی تأسیس کرده‌اند، نمونه‌ای بساز از برقراری خوشاوندی گفتمانی اسلام‌خواهی و عدالت‌خواهی بانواع گرایش‌های آزادی‌خواهانه، حقوق‌بنیاد و انسان‌محور به شمار می‌روند.

به عبارت دیگر از آن جا که اسلام‌خواهی حداقلی و اسلام‌اقلیت‌ها به دلیل همان وضعیت تحت‌ستمی و اقلیتی خود، مشتری گفتمان‌های تولید شده در سایر قلمروهای جنبش‌های نوین اجتماعی است، می‌تواند خصلت تکاملی داشته باشد و از قلمرو گفتاری خود فراتر رود. به این اعتبار دفاع مسلمانان از روسری به دلیل بهره‌وری و مصرف گفتمان‌های تولیدی جنبش‌های نوین اجتماعی، در کار خلق زبان نوینی است که پس از ساخته و پرداخته شدن، صرفاً به کار «اقلیت‌ها» نمی‌آید، بلکه کاربردی وسیع‌تر دارد.

به همین دلیل «روسری» و گفتمان‌های دفاعی که آن را به احاطه خود در آورده است، پوششی بسیار فراتر از پوشاندن سر روسری خواهان می‌یابد. به تعبیر سخنران مذکور روسری فقط یک امر دینی و یک فریضه ایمانی نیست، بلکه علاوه بر آن، هنگامی که «روسری خواهی» با «آزادی خواهی» توأم می‌شود، «به خارج از قلمرو خودسرایت می‌کند و دارای ابعادی بسیار مهم‌تر از پیش می‌شود.» (مجله «آیین» دی ۸۵)